

Business Sustainability: A Theoretical and Integrated Perspective

Hasan Chenari

Professor, Department of Accounting, Faculty of Financial Sciences, Khwarazmi University, Tehran, Iran.
ha_chenari@yahoo.com

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to review theoretical and integrated perspectives on business sustainability.

Method: This research is a theoretical-analytical study conducted using the descriptive-analytical method.

Findings: The dimensions of sustainability performance and related risks, the theoretical framework of sustainability, and operational sustainability standards, performance, and reporting presented in this research can be useful for global companies and their management, policymakers and regulators, investors, educators, and researchers. All theories (including agent/stakeholder, stakeholder, signaling, institutional, legitimacy, and monitoring) focus on key sustainability performance measures such as operational efficiency, customer satisfaction, talent management, and innovation. They should consider internal factors such as strategy, risk profile, strengths, weaknesses, and organizational culture, as well as external factors such as reputation, technology, globalization, and the exploitation of natural resources. These theories and standards help explain management strategies and practices in creating financial sustainability efficiency to create equity value and achieve non-profit economic sustainability performance in protecting the interests of all stakeholders.

Conclusion: This research examined theories, standards, risk assessment, reporting, and best practices of business sustainability, including corporate governance measures and reforms to reduce information asymmetry between management and all stakeholders and create stakeholder value. The purpose of creating stakeholder value in business sustainability is to provide research opportunities to investigate information asymmetry between management and stakeholders, and even among shareholders.

Keywords: Business Sustainability, Sustainability Performance, Sustainability Theories, Performance Indicators.

<http://sebar.journal.qom-iau.ac.ir/>

Received: 2023/11/29 ; Revised: 2023/12/26 ; Accepted: 2024/02/05 ; Published online: 2024/03/22

Publisher: Qom Islamic Azad University

Article type: Research Article

© The Author(s).



پایداری کسب‌وکار: دیدگاهی تئوریک و یکپارچه

حسن چناری

استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ha_chenari@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر مروری بر دیدگاه‌های تئوریک و یکپارچه پیرامون پایداری کسب‌وکار است.
روش: این پژوهش از نوع پژوهش‌های نظری-تحلیلی بوده و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.
یافته‌ها: ابعاد عملکرد پایداری و ریسک مربوطه، چارچوب نظری پایداری، و استانداردهای پایداری عملیاتی، عملکرد و گزارش‌دهی ارائه شده در این پژوهش می‌تواند برای شرکت‌های جهانی و مدیریت آنها، سیاست‌گذاران و تنظیم‌کنندگان، سرمایه‌گذاران، مربیان و پژوهشگران مفید باشد. همه نظریه‌ها (از جمله کارگزار/سهام‌دار، ذینفع، علامت‌دهی، نهادی، مشروعیت و نظارت) روی اقدامات کلیدی عملکرد پایداری مانند بهره‌وری عملیاتی، رضایت مشتری، مدیریت استعداد و نوآوری تمرکز می‌کنند و باید از عوامل داخلی استراتژی، مشخصات ریسک، نقاط قوت و ضعف، و فرهنگ سازمانی و نیز عوامل خارجی از جمله شهرت، فناوری، جهانی شدن و بهره‌برداری از منابع طبیعی نیز استفاده نمایند. این نظریه‌ها و استانداردها به توضیح راهبردها و شیوه‌های مدیریت در ایجاد کارایی پایداری مالی برای ایجاد ارزش سهام و دستیابی به عملکرد پایداری اقتصادی غیرانتفاعی در حفاظت از منافع همه سهام‌داران کمک می‌کند.
نتیجه‌گیری: این پژوهش تئوری‌ها، استانداردها، ارزیابی ریسک، گزارش‌دهی و بهترین شیوه‌های پایداری کسب‌وکار را شامل اقدامات حاکمیت شرکتی و اصلاحات برای کاهش تقارن اطلاعات بین مدیریت و تمام سهام‌داران و ایجاد ارزش ذینفعان مورد بررسی قرار داد. هدف ایجاد ارزش ذینفعان در پایداری کسب‌وکار ایجاد فرصت‌های تحقیقاتی برای بررسی عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت و ذینفعان و حتی بین سهام‌داران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: پایداری کسب‌وکار، عملکرد پایداری، تئوری‌های پایداری، شاخص‌های عملکرد.

۱. مقدمه

در پایداری کسب‌وکار پس از بحران جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ توجه قابل ملاحظه‌ای به اطمینان از پایداری بلندمدت شرکت‌های دولتی و پاسخ‌گویی آنها به انواع سهام‌داران شده است. تقاضای سرمایه‌گذاران جهانی، الزام قانون‌گذاران و شرکت‌های دولتی، افشای عملکرد پایداری اقتصادی، اداری، اجتماعی، اخلاقی و محیطی را به رسمیت می‌شناسند (بروکت و رضایی^۱، ۲۰۱۲). هدف ارزش‌آفرینی شرکت زمانی می‌تواند حاصل شود که مدیریت منافع همه ذینفعان را در نظر گیرد و تمام پنج بعد عملکرد پایداری را به فرهنگ سازمانی، استراتژی‌های مدیریتی، مدل کسب‌وکار، اقدامات و گزارش‌دهی ادغام کند. پایداری کسب‌وکار از تمرکز بر ترویج عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تا ابتکاراتی است که می‌تواند رشد درآمد و عملکرد مالی با کیفیت بالا را به دست آورد. کسب‌وکارهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاران جهانی از اطلاعات عملکرد پایداری استفاده می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری، فراتر از شرکت‌های مالی تصمیم می‌گیرند (راجرز^۲، ۲۰۱۵)، و سه چهارم متخصصان سرمایه‌گذاری هنگام تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری، از اطلاعات عملکرد پایداری استفاده می‌نمایند. هوانگ و واتسون^۳ (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحقیقات مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی را بررسی کردند. در این راستا، هدف پژوهش ارائه یک رویکرد یکپارچه و جامع برای عملکرد پایداری کسب‌وکار بود. این چارچوب نظری یکپارچه، چند نظریه و استانداردهای مربوط به هر پنج بُعد عملکرد و مخاطرات پایداری و ادغام آنها در فرهنگ سازمانی، مدل کسب‌وکار و گزارش‌دهی را در ارزش‌آفرینی ذینفعان بررسی کرده است.

پایداری کسب‌وکار یک مفهوم نسبتاً جدید است که به عنوان پیگیری استراتژی رشد کسب‌وکار با تخصیص منابع مالی یا غیرمالی شرکت برای اقدامات پایداری تعریف شده است (تونه‌لو و سینگر^۴، ۲۰۱۵)، که اساساً یک فرایند تمرکز بر دستیابی به تمام پنج بعد عملکرد پایداری می‌باشد. پایداری متمرکز بر فعالیت‌هایی است که عملکرد پایداری اقتصادی مالی و عملکرد پایداری اقتصادی غیرمالی را از طریق حداکثر رساندن اثربخشی اداره شرکت‌ها و فرصت‌های تجاری و به حداقل رساندن آسیب‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، و به ویژه موفقیت‌های طولانی مدت در ارزش‌آفرینی ذینفعان فراهم می‌نماید. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که پایداری کسب‌وکار در حال دور شدن از تلاش‌های فرصت‌طلبانه، با تمرکز اصلی بر روی مسئولیت اجتماعی شرکتی و یک رویکرد یکپارچه،

1. Brockett & Rezaee
2. Rogers
3. Huang & Watson
4. Tonello & Singer

جامع و استراتژیک است که تمام ابعاد عملکرد پایداری را دربرمی‌گیرد و ذینفعان مختلف را جذب می‌کند (کایرون و همکاران^۱، ۲۰۱۵).

محققان دانشگاهی از اصطلاحات پایداری ESG، CSR و EGSEE با برخی استثنائات استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال، مطالعات اخیر (کایرون و همکاران، ۲۰۱۵؛ ان‌جی و رضایی، ۲۰۱۵) عملکرد پایداری را به دو بخش تقسیم می‌کنند:

(۱) عملکرد اقتصادی پایدار مالی که بر دستیابی به عملکرد بلندمدت مالی برای ایجاد ارزش سهام‌داران تمرکز دارد،

(۲) عملکرد پایداری غیرمالی CSR/ESG در حفاظت از منافع غیرسهام‌داران. سرمایه‌گذاران جهانی ابعاد مختلف عملکرد پایدار در تحلیل سرمایه‌گذاری خود را در نظر می‌گیرند؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی مسئولانه بیش از ۲۲ درصد افزایش و به ۳/۷۴ تریلیون دلار در دارایی‌های مدیریت شده در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۲ افزایش یافته است. بیش از ۶۰۰۰ شرکت اروپایی مجبور خواهند شد اطلاعات مربوط به عملکرد پایداری و اطلاعات متنوع آنها در سال مالی ۲۰۱۷ خود را افشاء کنند.

چهار مضمون یکپارچه در مورد چارچوب پایداری وجود دارد:

اولین موضوع نشان می‌دهد که چارچوب پایداری کسب‌وکار و ابعاد عملکرد پایداری بر نظریه ذینفعان استوار است، در حالی که نظریه‌های دیگر (سهام‌دار، مشروعیت، علامت‌دهی، مدیریت، و نهادی) در ارائه توجیه برای شرکت در عملکرد پایداری و گزارش اطلاعات پایداری موثرند.

موضوع دوم نشان می‌دهد که اهداف اصلی برای سازمان‌های تجاری، به حداکثر رساندن ارزش شرکت است. هدف از حداکثرسازی ارزش شرکت می‌تواند به وسیله محافظت از منافع همه سهامداران از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تأمین‌کنندگان، مشتریان، کارمندان، محیط زیست و جامعه، در پایداری کسب‌وکار به دست آید. سازمان‌های تجاری به دلیل تمرکز بر حداکثرسازی سود و ایجاد ارزش سهام، با توجه کمتر به تأثیرات عملیات‌هایشان بر جامعه و محیط زیست، مورد انتقاد هستند. بنابراین، مفهوم ارزش مشترک به عنوان سیاست‌ها و رویه‌هایی که رقابت یک شرکت را ارتقاء می‌دهد، در حالی که به طور همزمان با شرایط اقتصادی و اجتماعی در جوامعی که در آن فعالیت می‌کند، به وجود آمده، معرفی شده است (پورتر و کرامر^۲، ۲۰۱۱). با این وجود، مدل پایداری کسب‌وکار، ضمن حداکثر سوددهی در ارزش‌آفرینی سهام، بهینه‌سازی فعالیت‌های تجاری،

1. Kiron
2. Porter & Kramer

محیط زیست و اجتماعی را در حمایت از منافع همه ذینفعان به ارمغان می‌آورد. این مدل ادعان دارد که تصمیم‌گیری در زمینه پایداری نیز پیچیده بوده و با عدم قطعیت همراه است، همانطور که تصمیم‌گیری برای ارزش سهامداران نیز چنین حالتی دارد؛ زیرا پایداری نیز در مورد سرمایه‌گذاری در آینده نامشخص است که ممکن است برای سهام‌داران ارزش‌آفرینی نکند. ابهام و عدم تعادل در درک و فهم تعهدات اجتماعی برای رسیدن به هدف مشترک، برای همه ذینفعان شفاف است.

موضوع سوم، افق زمانی هماهنگی عملکرد کوتاه مدت و بلند مدت در هر پنج بعد عملکرد پایداری است. موضوع نهایی، ماهیت چند بُعدی عملکرد پایداری در تمام زمینه‌های موجود است.

۲. تئوری‌های پایداری

برخی از نظریه‌های پایداری شامل نمایندگی/سهام‌دار، ذینفعان، علامت‌دهی/ افشاء، سازمانی، مشروعیت و نظارت در ارتباط با نقش سازمان‌های تجاری در جامعه و تعامل آنها با ذینفعان از جمله سهام‌داران، اعتباردهندگان، تأمین‌کنندگان، مشتریان، کارمندان، دولت، جامعه و محیط زیست توسعه داده شده‌اند. این نظریه‌ها تلاش می‌کنند تا به ادغام در میان ابعاد مختلف عملکرد پایداری، تعاملات آنها، تنش‌های ممکن و محدودیت‌هایی که به اهداف اصلی کسب‌وکار ایجاد ارزش سهام‌دار منجر می‌شود، رسیدگی گردد.

۲-۱. تئوری نمایندگی/سهام‌داران

تئوری نمایندگی/سهام‌دار بر روی اشتراک مخاطره‌پذیری و مشکلات نمایندگی بین ذینفعان و مدیریت، با پیشنهاد اینکه منافع بنیانگذاران (صاحبان) و عوامل آنها (مدیران) اغلب هماهنگ نیستند، متمرکز است (فاما و جنسن^۱، ۱۹۸۳). در مبحث تئوری نمایندگی، مخاطرات اخلاقی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی رخ می‌دهد و در جایی که کارگزار (مدیریت) برای مالکان (سهام‌داران) فعالیت نماید، در مقایسه با حالتی که عدم نظارت مناسب از سوی صاحبان سرمایه بر مدیریت وجود دارد، اطلاعات بیشتری در مورد فعالیت‌ها و یا اهداف دارد. پیامدهای تئوری ذینفعان برای عملکرد پایداری این است که انگیزه‌های مدیریتی و فعالیت‌ها اغلب بر روی اهداف زود بازده متمرکز می‌شوند که به‌طور نرمال مرتبط با جبران مزایای خدمتی (پاداش) بوده و از دستیابی به کارایی پایدار و بلندمدت برای سهام‌داران می‌کاهد. براساس این تئوری، فعالیت‌های غیرمالی پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (به ویژه هزینه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی) به‌طور خاص به‌عنوان تخصیص منابع شرکتی در پیگیری فعالیت‌ها مورد مشاهده قرار می‌گیرد که به‌نفع سهام‌داران نیستند،

اگرچه آن‌ها ممکن است برای سایر سهام‌داران ارزش آفرینی نمایند. بنابراین، شرکت‌ها بایستی بر روی ارزش آفرینی ذی‌نفع و ترک تصمیمات در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی سهام‌داران آن‌ها تمرکز نمایند. عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد؛ زیرا در واقع مدیران ارشد به‌طور معمول اطلاعات بیشتری راجع به اطلاعات مالی دارند؛ بنابراین، برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت ممکن است داوطلبانه اطلاعات مربوط به ابعاد غیرمالی عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را افشاء کند.

۲-۲. تئوری سازمانی

مقاله‌ای که توسط مایر و روان^۱ (۱۹۷۷) منتشر شد، مبنایی برای استفاده از تئوری سازمانی در سیاست‌های شخصی (ادلمن^۲، ۱۹۹۲؛ تولبرت و زوکر^۳، ۱۹۸۳)، در سیاست‌های دولتی داخلی و بین‌المللی (استرنگ^۴، ۱۹۹۰) و در توسعه مأموریت‌های سازمانی و ساختارها بود (فلیگستین^۵، ۱۹۸۵). تئوری سازمانی بر نقش تأثیرات هنجاری (دستوری) در فرایندهای تصمیم‌گیری که بر ساختار سازمانی تأثیر می‌گذارد، تمرکز نموده و چارچوبی ساختاری را ارائه می‌دهد که می‌تواند در رسیدگی به بسیاری از مسایل، شرایط و چالش‌هایی که ساختار را به نهادینه‌سازی هدایت می‌کند، مفید باشد. این مسأله بر جنبه‌های اجتماعی تصمیم‌گیری (مانند تصمیم به سرمایه‌گذاری در هزینه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی) تمرکز دارد، شرایطی که در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی یا نوآوری‌های زیست محیطی ایجاد می‌شود، و تأثیرات احتمالی آن‌ها بر محیط زیست و جامعه می‌باشد. تئوری سازمانی، یک شرکت را به مثابه شکلی سازمان‌یافته از افراد و گروه‌های متنوع با منافع همسو، دادوستد حاکمیتی، ارزش‌ها، قوانین و شیوه‌هایی در نظر می‌گیرد که می‌تواند نهادینه شود. جینینگز و زاندرگن^۶ (۱۹۹۵) بیان می‌کنند که تئوری سازمانی به درک این موضوع کمک می‌کند که چگونه براساس معیار پایداری، هماهنگی ایجاد می‌شود و چگونه مفاهیم یا شیوه‌های مرتبط با پایداری در بین سازمان‌ها گسترش یافته و تعمیم می‌یابد. تئوری سازمانی اساساً بر عقلانیت، مشروعیت، کاربرد، و جنبه‌های ساختار اجتماعی و فرآیندهای مرتبط در ایجاد رهنمودها و بهترین شیوه‌ها در مطابقت با قوانین، قواعد،

1. Meyer & Rowan

2. Edelman

3. Tolbert & Zucker

4. Strang

5. Fligstein

6. Jennings & Zandbergen

استانداردها و هنجارها (دستورها) تمرکز دارد. تئوری سازمانی عمل‌گرا و واقع‌بین، پایداری تجاری را با نگاه به شرکت، به‌مثابه موسسه‌ای برای خدمت به نیازهای انسانی و حفاظت از کلیه منافع مربوطه ارتقاء می‌بخشد (روبرتز^۱، ۲۰۰۴). شرکت به‌عنوان موسسه‌ای پایدار است، تا زمانی که ارزش‌آفرینی برای کلیه ذی‌نفعان از جمله سهام‌داران ایجاد شود. بنابراین، پیروی از تئوری سازمانی برای ارتقای پایداری تجاری این است که نوآوری‌های اجتماعی و زیست محیطی، معیارهای حاکمیت شرکتی، و شیوه‌های اخلاقی در نهایت به سطح مشروعیت و بهترین شیوه‌ها برسد، که عدم پذیرش آن‌ها غیرقابل قبول و غیرمنطقی در نظر گرفته می‌شود و این اقدامات الزام‌آور و قانونی خواهند بود.

۲-۳. تئوری مشروعیت

خاستگاه تئوری مشروعیت، پارادایم اقتصاد سیاسی است و بر این فرض متمرکز است که سازمان بایستی نقش اجتماعی خود را از طریق پاسخ به نیازهای جامعه و برآوردن آنچه جامعه طلب می‌کند، حفظ کند. بر طبق این تئوری، بقای یک سازمان به‌وسیله فشارهای بازار و توقعات جامعه پایدار است و از این‌رو فهم نگرانی‌های وسیع‌تر جامعه، توقعات جامعه را بیان می‌کند (آزیزول اسلام و دیگران^۲، ۲۰۰۸). تئوری مشروعیت نشان می‌دهد که ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برای کلیه ذی‌نفعان، از جمله مشتریان، جامعه و محیط زیست مطلوب است. این نظریه همچنین پیشنهاد می‌کند که عدم انطباق با هنجارهای اجتماعی و الزامات زیست محیطی، مشروعیت سازمانی و پایداری مالی را تهدید می‌کند و بنابراین سازمان‌ها از افزایش اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی برای برآورده کردن نیازهای جامعه استفاده می‌کنند (گوتریه و پارکر^۳، ۱۹۸۹؛ تایلینگ^۴، ۲۰۰۴).

تئوری مشروعیت در تثبیت اعتبارات شرکت‌ها مهم است و بنابراین محصولات و خدمات آن‌ها باید مطلوب، مناسب و با کیفیت در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی باشد و باید به‌جای آسیب رساندن به محیط و جامعه، سود اعطاء نماید (ساچمن^۵، ۱۹۹۵). به‌عنوان مثال، شرکت‌های دخانیات ممکن است ثروت سهام‌داران خود را (که توسط تئوری سهام‌داران تبلیغ می‌شود) افزایش دهند، اما در عین حال با فروش محصولات خود در معرض خطر صدمه زدن به سلامت مشتریان

1. Roberts
2. Azizul Islam & Deegan
3. Guthrie & Parker
4. Tilling
5. Suchman

نیز باشند. پایداری یک جزء لاینفک از راهبردهای مدیریت است، به‌ویژه هنگامی که بین اهداف شرکت‌های بزرگ، در به حداکثر رساندن اهداف مالی و اجتماعی تعارض وجود دارد. با وجود و پایداری چنین تعارض‌هایی، شرکت‌ها نیازمند اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های مدیریتی هستند تا اطمینان حاصل شود که هیأت‌مدیره و مدیر اجرایی آن را تعیین می‌کنند، پایداری و منافع اجتماعی را جدی می‌گیرند و از تأمین‌کنندگان خود می‌خواهند به کیفیت محصول و الزامات اجتماعی و زیست محیطی پایبند باشند.

۴-۲. تئوری علامت‌دهی

تئوری علامت‌دهی کمک می‌کند تا انگیزه‌های مدیریتی را برای دستیابی به ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در عملکرد پایداری و واکنش سرمایه‌گذاران به افشای اطلاعات عملکرد پایداری توضیح دهد (گرینبلات و هوآنگ^۱، ۱۹۸۹). تئوری علامت‌دهی نشان می‌دهد که شرکت‌ها اخبار خوب را از طریق استفاده از گزارشگری الزامی مالی مختلف در مورد عملکرد پایداری اقتصادی خود و گزارشگری داوطلبانه ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی افشاء می‌کنند، تا از شرکت‌های با پایداری کمتر متمایز گردند. تئوری علامت‌دهی نشان می‌دهد که شرکت‌ها باید گزارش‌های پایداری خوب خود را ارتقاء دهند و به‌طور موثر با کلیه ذی‌نفعان ارتباط برقرار کنند، تا نام و نشانی تجاری را بسازند و شهرت و اعتبار خوبی برای خودشان ایجاد نمایند. با این حال، ارتباط احتمالی و مورد انتظار بین گزارشگری داوطلبانه غیرمالی عملکرد پایداری و کاربرد آن در این علامت‌ها مبهم است. هیلی و پالپو^۲ (۲۰۰۱) پیشنهاد می‌کنند که گزارشگری داوطلبانه شرکت‌ها ممکن است به عنوان مکمل برای ارائه اطلاعات در مورد عملکرد مالی آتی مورد انتظار عمل نمایند. در مقابل، این سازوکارهای علامت‌دهی می‌تواند جایگزین باشد، که نشان‌دهنده ارتباطی منفی بین احتمال افشای داوطلبانه و کاربرد این علامت‌دهی‌ها می‌باشند (گرینبلات و هوآنگ، ۱۹۸۹). تئوری علامت‌دهی سازمان‌های تجاری را تشویق و ترغیب می‌کند تا با کلیه ذی‌نفعان (از جمله شرکای زنجیره تأمین) در ارتباط با هم‌افزایی، یکپارچگی و وابستگی منابع مولفه‌های مختلف مدیریت زنجیره تأمین ارتباط برقرار کنند و علامتی واحد برای دستیابی به ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ارسال نمایند (دانیلی^۳، ۲۰۱۳).

1. Grinblatt & Hwang
2. Healy & Palepu
3. Dainelli

۵-۲. تئوری ذی‌نفعان

یک گروه از رویکردهای تئوریک (اخلاقی و مدیریتی) تحت عنوان تئوری ذی‌نفعان توسط آنسوف^۱ (۱۹۶۵) و سپس در قلمرو پاسخ‌گویی زیست‌محیطی و اجتماعی توسط فری‌من^۲ و اولمان^۳ (۱۹۸۵) شکل گرفت و توسط پژوهشگران فعلی تا به امروز حفظ و تقویت شده است. این تئوری، تشکیل مسئولیت‌های اجتماعی را در چارچوب برنامه شرکت، تلاش برای توسعه راهبردهایی منعکس می‌کند که به تأیید ذی‌نفعان کلیدی سازمان برسد. همچنین یک توضیح بالقوه افشای زیست‌محیطی و اجتماعی را در واژه پاسخ‌گویی شرکت به شدت تقاضای ذی‌نفعان، جهت‌گیری راهبرد شرکت به سوی مسئولیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و تبادل بین اهداف اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی شرکت فراهم می‌کند (دیگن و همکاران^۴، ۲۰۰۶).

آیزول اسلام و دیگان (۲۰۰۸) کارکردهای گزارش زیست‌محیطی و اجتماعی را بررسی نموده و گزارش کردند که افشای سازمان‌ها با توجه به انتظارات ذی‌نفعان قدرتمند آن‌ها تغییر می‌کند. در مطالعه واکنش ذی‌نفعان، نتایج از این ادعا حمایت کرد که کارکردهای معمول گزارش زیست‌محیطی و اجتماعی می‌تواند با نیازهای متنوع ذی‌نفعان مختلف تطبیق یابد (الای‌جای‌دو تن^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). ذی‌نفعان می‌توانند به داشتن ارتباطات ضعیف تا قوی با سازمان طبقه‌بندی شوند و پاسخ‌گویی باید نسبت به این ارتباطات درک شده از طیف حداقل پاسخ‌گویی تا حداکثر پاسخ‌گویی باشد (کالر، ۲۰۰۳). ذی‌نفع هر فرد یا گروهی است که به سازمان علاقه دارد، به دلیل اینکه می‌تواند بر فعالیت‌های سازمان تأثیر بگذارد یا از آن تأثیر پذیرد. بیشتر گروه‌های ذی‌نفع که تمایل دارند محرک مالی یا تجاری باشند، در مطالعات تجربی شناسایی شده‌اند. برای مثال، هوانگ و کونگ^۶ (۲۰۱۰) بر عرضه‌کنندگان، مشتریان، وام‌دهندگان، رقبا و سرمایه‌گذاران تمرکز کردند. تئوری ذی‌نفعان به طور سیستماتیک در جستجوی شناسایی گروه‌هایی از ذی‌نفعان است که مستحق بیشترین توجه از سوی مدیران هستند. با توجه به اینکه عملکرد مالی شرکت تا حدودی در ارتباط با عملکرد زیست‌محیطی آن می‌باشد، ذی‌نفعان توجه زیادی به موضوعات زیست‌محیطی در یک شرکت دارند. سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی به منظور ارزیابی عملکرد کلی و برآوردهای مخاطرات زیست‌محیطی، دولت‌ها

1. Ansoff
2. Freeman
3. Ullmann
4. Deegan
5. Eljido-Ten
6. Huang & Kung

جهت اجرای قوانین زیست محیطی و مشتریان به منظور حفاظت از حقوقشان، به اطلاعات زیست محیطی نیاز دارند (علی خانی و مران جوری، ۱۳۹۳).

۲-۶. تئوری نظارت (وکیل خرجی)

خاستگاه تئوری نظارت به جامعه‌شناسی و روان‌شناسی برمی‌گردد و به مدیریت به‌عنوان ناظر کلیه دارایی‌ها و سرمایه‌های شرکت در حفظ منافع کلیه ذی‌نفعان می‌نگرد. هرناندز^۱ (۲۰۰۸) بیان می‌کند که تئوری نظارت، بهترین منافع درازمدت یک گروه را پیش از اهداف شخصی که به منافع فردی منجر می‌شود، ارتقاء می‌دهد. تئوری نظارتی که توسط هرناندز (۲۰۱۲) تعریف شده، برای پایداری شرکت‌های در حال ظهوری است که در آن مدیریت، مسئول است و باید برای حفاظت از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود و نامشهود پاسخ‌گو باشد و نیز به‌طور موثر و کارآمد با استفاده از تمام سرمایه‌های مالی، انسانی، فکری، اجتماعی و محیطی شرکتی در خلق ارزش سهام برای کلیه ذی‌نفعان تلاش کند. تئوری نظارت به توضیح این مورد کمک می‌کند که چگونه سازمان‌های تجاری به‌عنوان ناظران در خلق ارزش سهام، با کمک به ثروت‌آفرینی برای سهام‌داران و نیز کمک به آرامش و رفاه مشتریان، کارکنان، جامعه و محیط زیست مسئولیت دارند. تئوری نظارت بر پایداری سازمانی، قابل اجرا و پیاده‌سازی است؛ زیرا تصمیمات و اقدامات راهبردی مدیریت را به‌عنوان رفتارهایی مطرح و معرفی می‌کند که به هدف پایه‌ای مشترک می‌پردازند که منافع اجتماعی را برای مصالح جمعی در بلندمدت فراهم می‌کند (هرناندز، ۲۰۱۲). به‌طور خلاصه، تئوری ذی‌نفعان به نظر می‌رسد تئوری غالب در مورد پایداری شرکت‌ها باشد که توسط فری من^۲ (۱۹۸۴) پیشنهاد شده است. تئوری هنجاری (دستوری) در خصوص شناسایی ذی‌نفعان بر این باور است که چرا مدیریت ممکن است گروه‌های خاص (مثلاً مالکین، غیرمالکان) را به‌عنوان ذی‌نفعان شرکت در نظر بگیرد و یک تئوری توصیفی از اهمیت ذی‌نفعان و شرایطی که مدیریت ممکن است گروه‌های ویژه را به‌عنوان ذی‌نفعان تشخیص دهد، توصیف می‌کند. یکی از تعاریف غالب و گسترده از یک ذینفع توسط فری من (۱۹۸۴) ارائه شده است، به این صورت که: هر گروه یا فردی که می‌تواند بر اهداف سازمان موثر باشد، یا تحت تأثیر قرار گیرد. در زمینه پایداری شرکت‌ها، ذی‌نفعان را می‌توان به‌عنوان ذی‌نفعان داخلی طبقه‌بندی کرد که دارای منافع مستقیم (سهام) هستند و مخاطرات مربوط به فعالیت‌های تجاری و سایر ذی‌نفعان خارجی را تحت پوشش قرار می‌دهند. ذی‌نفعان آن‌هایی هستند که منافع

محیطی	اخلاقی	اجتماعی	دولتی	مالی
- اندازه‌گیری کاهش منابع	- رضایت مشتری، حفظ و وفاداری	- تعداد ابتکارات برای ترویج مسئولیت‌های بیشتر محیط زیست	- درصد مدیران خودی در هیئت مدیره	- یادداشت افشاء سیاست‌های حسابداری
- انتشار گازهای گلخانه‌ای در مجموع و شدت	- رقابت عادلانه	- کل سرمایه‌گذاری در جامعه	- تعداد اعضاء در کمیته حسابرسی و کارشناسان مالی	- اطلاعات بخش ترکیب کسب‌وکار عملیات متوقف شده
- داده‌های کل انتشار ضایعات	- درصد کارکنان واجد شرایط که قوانین رفتاری و اخلاقی را امضاء کردند	- کمک‌های مالی و سایر هزینه‌های اجتماعی	- انتشار درآمد	- انتشار درآمد
- حل اختلافات منافع	- رقابت عادلانه	- تبلیغات حقیقی	- اقدامات غیرمالی GAAP	- اقدامات غیرمالی GAAP
		- مشاغل جامعه	- سیاست‌های حسابداری و شیوه‌ها	- سیاست‌های حسابداری و شیوه‌ها
			- قیمت سهام	- قیمت سهام

۷-۲. عملکرد اجتماعی

عملکرد اجتماعی اندازه‌گیری می‌کند که چگونه یک شرکت اهداف اجتماعی خود را در عمل نشان می‌دهد. عملکرد اجتماعی نشان‌دهنده این است که چگونه و تا چه حد یک شرکت مسئولیت اجتماعی خود را با مأموریت اجتماعی که یک واقعیت بوده و هماهنگ با منافع جامعه است، برآورده می‌کند. عملکرد اجتماعی ناشی از تمرکز بر عرضه محصولات با کیفیت بالا و خدماتی است که به جامعه آسیب نمی‌رسانند تا سلامت کارکنان و رفاه آنها را بهبود بخشند و به عنوان یک عامل مثبت در پایداری کمک کنند. عملکرد اجتماعی، اقدامات شرکت را که به جامعه پیوند می‌دهد و با قوانین، مقررات، استانداردها و شیوه‌های معمول برابری نمی‌کند، اندازه‌گیری می‌نماید. عملکرد اجتماعی می‌تواند شهرت را افزایش داده و تصویر شرکت را بهبود بخشد و در بلندمدت می‌تواند عملکرد مالی پایدار را به همراه داشته باشد. نتایج چندین مطالعه دانشگاهی نشان می‌دهد که عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی ارزش شرکت را افزایش، و هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد (چنگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ دالیوال و همکاران^۱، ۲۰۱۱؛ هوآنگ و واتسون^۲، ۲۰۱۵؛ ماکی و همکاران^۳، ۲۰۰۷؛ ریچاردسون و ولکر^۴، ۲۰۰۱).

۸-۲. عملکرد اخلاقی

عملکرد اخلاقی نشان‌دهنده فرهنگ یکپارچگی و شایستگی شرکت است که می‌تواند به طور جداگانه و یا در ترکیب با سایر ابعاد عملکرد پایداری در نظر گرفته شود. ویژگی‌های یک فرهنگ

1. Cheng
2. Dhaliwal
3. Huang & Watson
4. Mackey
5. Richardson & Welker

سازمانی اخلاقی عبارتند از: کدهای رفتار برای مدیران کل، مدیران اجرایی ارشد و کارکنان، مسئولیت، صداقت، احترام متقابل، عدالت، شفافیت، و آزادی برای افزایش حساسیت‌ها. سیاست‌های اخلاقی مناسب در محل کار، بر سلامت و کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه پایداری اقتصادی در بلندمدت تاثیر می‌گذارد. بروکت و رضایی (۲۰۱۲) معتقدند که عملکرد اخلاقی با عملکرد اقتصادی مرتبط است، در درجه اول به این دلیل که شرکت‌هایی که اخلاق کسب و کار را دنبال می‌کنند، کمتر مستعد رسوایی مالی و بی‌نظمی هستند و بنابراین در طولانی مدت پایدار خواهند بود.

۲-۹. عملکرد زیست محیطی

عملکرد محیطی نشان‌دهنده چگونگی کارآمد بودن یک شرکت در حل و فصل مسائل زیست محیطی است که محیط زیست بهتر را برای نسل‌های آینده فراهم می‌کند. بلاپای زیست محیطی مانند Exxon، Union Carbide و BP Deepwater Horizon حوادث ناگوار و بدی را برای کسب و کار در برخی از صنایع (مواد شیمیایی و بخش‌های نفت) ایجاد کرده‌اند و آنها را مورد توجه بیشتر به طرح‌های زیست محیطی خود قرار داده‌اند. عملکرد زیست محیطی می‌تواند با کاهش احتمال وقوع نقض قوانین محیط زیست که ممکن است عواقب زیان مالی آن را کاهش دهد، بر عملکرد اقتصادی تاثیر گذارد. عملکرد محیطی از لحاظ کاهش رد پای کربن، ایجاد یک محیط کار بهتر و بهبود کیفیت هوا و آب، اموال و محیط اطراف، اندازه‌گیری می‌شود. التوایجری و همکاران^۱ (۲۰۰۴) در بررسی عوامل شامل افشای محیط زیست، عملکرد زیست محیطی و عملکرد اقتصادی، دریافتند که عملکرد محیطی خوب با عملکرد اقتصادی خوب ارتباط دارد. کلارکسن و همکاران^۲ (۲۰۱۱) ارتباطات قابل توجهی بین عملکرد محیطی و عملکرد مالی پیدا نمودند.

روی هم‌رفته، چالش‌های مداوم در هنگام پایداری، شناسایی، اندازه‌گیری، گزارش‌دهی و اطمینان‌بخشی از معیارهای مالی و غیرمالی هستند. استانداردهای حسابداری و حسابرسی، گزارشگری و اطمینان از اطلاعات مالی، به خوبی تثبیت شده و به طور یکسان اعمال شده‌اند، در حالی که توسعه چنین استانداردها و برنامه‌های یکنواخت برای پایداری اطلاعات غیرمالی، پایداری در حال تکامل بوده و هنوز به طور مداوم و با شدت مورد نیاز است. با این وجود، در تحقیقات، بر دو دیدگاه مرتبط بین عملکرد پایداری مالی و غیرمالی تاکید شده است. یک دیدگاه این است که ابعاد عملکرد پایدار مالی و غیرمالی مکمل هستند؛ زیرا شرکت‌هایی که به طور موثر اداره می‌شوند، به اصول اخلاقی پیوسته و به مسئولیت اجتماعی شرکتی متعهد می‌شوند و تعهدات زیست محیطی در

تولید عملکرد مالی بلند مدت نیز پایدار است.

دیدگاه دیگر این است که شرکت‌ها باید در درازمدت به لحاظ مالی خوب عمل کنند، تا بتوانند از نظر مسئولیت اجتماعی شرکتی و فعالیت‌های زیست محیطی خوب عمل نمایند. بنابراین، عملکرد مالی پایدار و غیرمالی با یکدیگر در ارتباط هستند و باید برای دستیابی به هزینه (انرژی پاک و ارزان‌تر، محصولات ارگانیک، ایمن و با کیفیت بالا، بازیافت، کاهش ضایعات)، درآمد (فروش مشتری و حق بیمه اجتماعی و محصولات و خدمات سازگار با محیط زیست) و مدیریت مخاطرات پایداری یکپارچه باشند.

۲-۱۰. مخاطرات پایدار

در سال‌های اخیر، ریسک‌پذیری توسط شرکت‌ها و بانک‌های سرمایه‌گذاری حالت مسری داشته‌اند، به این معنی که مدیران انگیزه برای ریسک بیش از حد (مانند ریسک خیلی شدید در انرون، ورلداکام و بانک‌ها و صندوق‌های وام مسکن) را فراهم می‌نمایند. کسب‌وکار جهانی به طور مداوم تغییر می‌کند و ریسک‌پذیرتر، غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده است. در این محیط کسب‌وکار چالش‌برانگیز، مدیریت ریسک سازمانی برای تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها بسیار مهم است. نظرسنجی جدید انجام شده توسط موسسه CFA نشان می‌دهد که ۶۳ درصد از پاسخ‌دهندگان پایداری را در روند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری خود برای ارزیابی و مدیریت مخاطرات سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرند، در حالی که ۳۸ درصد عملکرد پایداری را به عنوان یک پروکسی، برای کیفیت مدیریت در نظر می‌گیرند. بروکت و رضایی (۲۰۱۲) شش خطی مشیء (استراتژیک، عملیات، انطباق، مالی، امنیت و شهرت) مربوط به عملکرد پایدار را ارائه کرده‌اند. در نظر گرفتن و ارزیابی مناسب و مدیریت این شش مخاطره، به طور فزاینده‌ای اهمیت داشته و نقش حیاتی در دستیابی به عملکرد پایداری دارد.

۲-۱۱. ریسک استراتژیک

چندین خط‌مشیء استراتژیک مربوط به عملکرد پایداری کسب‌وکار، گزارشگری و اطمینان‌بخشی، شامل ریسک اقدامات مدون ناکارآمدی شرکت، عدم اطمینان در موقعیت بازاریابی، نوسانات قیمت سهام، تغییرات غیرمستقیم در تقاضای مصرف‌کنندگان و مخاطرات نمونه کارهای مربوط به سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک، ارتباطات سهام‌داران و روابط سرمایه‌گذار وجود دارد. این مخاطرات استراتژیک همچنین فرصت‌هایی را برای بهبود فعالیت‌ها، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تأمین مالی و ارتباط مناسب با تمام سهام‌داران ایجاد می‌کند. مخاطرات استراتژیک باید شناسایی، ارزیابی و

مدیریت شوند. فعالیت‌های کنترلی مرتبط باید به منظور به حداقل رساندن اثرات منفی آن‌ها و به حداکثر رساندن فرصت‌های ارائه شده توسط مدیریت این خطرات صورت گیرد.

۲-۱۲. ریسک انطباق

شرکت‌ها باید با مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، استانداردها و بهترین شیوه‌های ملی و بین‌المللی مطابقت داشته باشند. بسیاری از شرکت‌ها با چالش‌های مطابقت با اقدامات نظارتی متعدد مواجه هستند و عدم رعایت این امر موجب ریسک قابل توجهی از اقدامات اجرایی و مجازات و همچنین وقفه و یا قطع فعالیت‌های تجاری می‌شود. ریسک‌های انطباق باید مورد ارزیابی و مدیریت قرار گیرد و اثرات منفی آن‌ها به حداقل برسد. برای رسیدن به این هدف، بسیاری از شرکت‌ها کمیته انطباق هیئت مدیره و یا مقام اجرایی و مخاطره‌کننده ریسک را ایجاد کرده‌اند.

۲-۱۳. ریسک اعتبار

حفظ شهرت کسب‌وکار خوب و برآورده شدن انتظارات ذینفعان از سرمایه‌گذاران به اعتباردهندگان، تأمین‌کنندگان، مشتریان و کارمندان، محیط زیست و جامعه، چالش عمده برای بسیاری از شرکت‌ها است. تمام پنج بعد عملکرد پایداری با شهرت کسب‌وکار، رضایت مشتری و محل کار اخلاقی مرتبط است. شهرت یک شرکت و ریسک مربوط به آن باید به طور مستمر مورد ارزیابی قرار گیرد و هرگونه آسیب به شهرت، باید به حداقل برسد.

۲-۱۴. ریسک‌های مالی

ریسک مالی ایجاد شده از گزارش‌های مالی مبهم، به ناپایداری شرکت‌ها منجر گردیده و موجب نابودی بسیاری از شرکت‌های برجسته مانند انرون و ورلدکام شده است. ریسک‌های مالی ناشی از گزارشات مالی بوده و سیستم‌های کنترل داخلی برای جلوگیری، تشخیص و اصلاح خیزش‌های ناشی از اشتباهات، بی‌نظمی‌ها و تقلب است. برای کاهش این خطر، ساربینز آکسلی^۱ (۲۰۰۲) پیشنهاد داد که شرکت‌های دولتی نیاز به گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی دارند که توسط مدیران (مدیران اجرایی و مدیران مالی) انجام شده و توسط حساب‌برسان مستقل مورد تایید قرار می‌گیرد.

۳. گزارشگری پایداری و اطمینان بخشی

نقش سازمان‌های تجاری در جامعه به عنوان حداکثرسازی سود آغاز شده است و به ارزش آفرینی سهام‌دار تبدیل شده است. در حال حاضر، تحت پایداری کسب‌وکار، این نقش محافظت از

منافع همه ذینفعان است. شرکت‌های دولتی باید مجموعه‌ای از اطلاعات مالی را به قانون‌گذاران و سهام‌داران افشاء کنند و ممکن است داوطلبانه سایر اطلاعات غیر مالی (محیط زیست، اجتماعی و دولتی) را نیز افشاء نمایند. گزارش مالی الزامی شامل صورت‌های مالی و گزارش حسابرسی در هر دو صورت‌های مالی و کنترل داخلی مربوط به گزارشگری مالی می‌باشد. گزارشگری مالی بین‌المللی در حال حاضر باید مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باشد و با توجه به استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی، مورد بازبینی قرار گیرد. این گزارش‌های مالی، الزامی در نظر گرفته شده است تا برای سهام‌داران و سایر سرمایه‌گذاران اطلاعات مالی مرتبط، مفید، قابل اعتماد و شفاف در تصمیم‌گیری‌های صحیح و آگاهانه فراهم گردد. با این وجود، در صورت عدم تقارن اطلاعاتی، ممکن است زمانی که مدیریت اطلاعات بیشتری در مورد اقدامات شرکت می‌داند و شاید تصمیم داشته باشد تا اطلاعات مالی مربوطه را از سرمایه‌گذاران پنهان کند، یک خطر اخلاقی اتفاق بیفتد.

گزارش‌های داوطلبانه پایداری در حال حاضر به عنوان افشای اطلاعات مالی و غیر مالی در خارج از اظهارات مالی است که توسط عوامل اجرایی و تدوین‌کنندگان استاندارد، به صورت اجباری تهیه می‌شوند. در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها (به عنوان مثال استرالیا، اتریش، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، مالزی، هلند، سوئد، هنگ کنگ و انگلستان) گزارش‌های پایداری را به صورت مستقل پذیرفته‌اند. انتظار می‌رود که قانون‌گذاران در کشورهای دیگر به دنبال گزارش‌های الزامی پایداری باشند. نظرسنجی اخیر توسط موسسه CFA نشان می‌دهد که ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که شرکت‌های دولتی باید حداقل سالیانه شاخص‌های پایداری خود را گزارش دهند. سازمان‌های جهانی مانند سازمان گزارشگری جهانی (GRI)، شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی (IIRC) و هیئت استانداردهای حسابداری پایداری (SASB) در حال حاضر در حال توسعه دستورالعمل‌هایی برای گزارش و تضمین یکپارچه پایداری هستند. سازمان گزارشگری جهانی (GRI) (در دستورالعمل‌های پایداری G4) گزارش‌دهی یکپارچه را، در پنج بعد از عملکرد پایداری با ابعاد اخلاقی در ابعاد دیگر گنجانده‌اند (سازمان گزارش جهانی، ۲۰۱۳). دو استاندارد معمول اطمینان که توسط IAASB منتشر شده است عبارتند از: استاندارد بین‌المللی برای تعهدات اطمینان غیر از حسابرسی یا بازرنگری اطلاعات مالی تاریخی (ISAE 3000) و تعهدات تضمین شده در مورد اعلامیه‌های گازه‌های گلخانه‌ای (ISAE ED-3410) برای حساب‌برسان، در ارائه اطمینان در مورد اطلاعات غیر مالی.

سرمایه‌گذاران اطلاعات مربوط به عملکرد پایداری را درخواست می‌کنند، تدوین‌کنندگان

استانداردها الزام به افشای چنین اطلاعاتی کرده و شرکت‌ها ترجیح می‌دهند اطلاعات مربوط به عملکرد پایداری را افشاء کنند تا خود را از شرکت‌های کمتر پایدار، کمتر اجتماعی‌تر و پایین‌تر از استانداردهای محیط زیست متمایز نمایند. زمانی که گزارش‌های پایداری کامل و دقیق هستند، مفید می‌باشند، و اطمینان، عینیت و اعتبار آنها توسط حساب‌رسان مشخص می‌شود. گزارش‌های مربوط به پایداری با نام‌های مختلفی مطرح بوده (گزارش سبز، گزارش‌دهی مسئولیت اجتماعی)، و در راستای اهداف مختلف به ذینفعان مختلف هستند و از لحاظ محتوا، ساختار، فرمت، دقت و اطمینان متفاوت می‌باشند. فرآیندهای استاندارد، یکپارچه و حساب‌رسی مورد نیاز است تا گزارش‌های پایداری در مورد عملکرد قابل مقایسه، قابل قبول و قابل درک برای همه سهام‌داران شرکت باشد. سازمان گزارش جهانی (۲۰۱۳) به تازگی ارائه چارچوب گزارشگری جامع پایداری را برای شفافیت سازماندهی بیشتر فراهم کرده است. شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی (۲۰۱۳) یک چارچوب گزارشگری یکپارچه بین‌المللی را ایجاد کرد که دستورالعمل‌هایی را برای شرکت‌ها جهت ادغام اطلاعات عملکرد مالی و غیر مالی به نفع تمام سهام‌داران فراهم می‌کند.

هیئت استانداردهای حسابداری پایداری (۲۰۱۳) در حال حاضر استانداردهای حسابداری پایداری را برای کمک به شرکت‌های دولتی در افشای مسائل مربوط به پایداری مادی، به منظور ثبت درخواست‌های الزامی به کمیسیون بورس اوراق بهادار، مانند فرم K-۱۰ و F-۲۰ از طریق سه ماهه اول ۲۰۱۵ توسعه داده‌اند.

پارلمان اروپا در روز ۱۵ ماه مه ۲۰۱۴، یک دستورالعمل جدیدی را تصویب کرد که نیاز به شرکت‌های فهرست شده را برای افشای اطلاعات در مورد عملکرد اجتماعی، زیست محیطی و تنوع آن، به همراه اطلاعات مالی در مورد عملکرد اقتصادی منتشر می‌کند. بورس اوراق بهادار هنگ کنگ ملزم است که شرکت‌های فهرست شده خود را از اطلاعات مربوط به پایداری (از سال ۲۰۱۵) و سایر بورس‌های سهام فراهوانی کند یا شرکت‌های ذکر شده خود را اعلام نماید تا اطلاعات پایداری را افشاء کنند.

نتایج نظرسنجی موسسه CFA در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان ابعاد پایداری را در تحلیل و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری خود به کار می‌گیرند، در حالی که ۳۸ درصد، از بهترین شیوه‌های نظم‌دهی مثبت استفاده می‌کنند. تعداد گزارش‌های پایداری به طور قابل توجهی در سطح بین‌المللی افزایش یافته است، و چندین سازمان جهانی (مانند GRI؛ IIRC؛ SASB) در حال توسعه گزارشات مستقل یکپارچه و پایدار می‌باشند.

برخی مطالعات مفهوم گزارشگری و تضمین پایداری محتوای صورت‌های مالی را قابل اطمینان

ارزیابی کرده‌اند (بروکت و رضایی، ۲۰۱۲؛ اودیوایر و اوون^۱، ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۷؛ سایمنت و همکاران^۲، ۲۰۰۹). در حال حاضر چالش‌های متعددی برای اطمینان از گزارش‌های پایداری وجود دارد که هیچ دستورالعمل قانونی یا اجباری برای هدایت روند گزارشگری وجود ندارد (چنگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ دیگان و همکاران، ۲۰۰۶؛ اکسلز و همکاران^۳، ۲۰۱۴، اودیوایر و اوون، ۲۰۰۷). هیچ چارچوب جامعی نمی‌تواند نیاز جهانی را برای پایداری مالی و غیرمالی تأمین کند. اطلاعات پایداری مالی و غیرمالی رفته‌رفته محبوبیت زیادی پیدا کرده و انتظارات ذینفعان نیز بیشتر می‌شود، مدیریت باید این علاقه مستمر را در اطلاعات پایداری و تقسیم آن به گزارشگری و اطمینان شرکت‌ها به رسمیت بشناسد. IAASB استانداردهای حسابرسی خود را برای افزایش آگاهی حسابرسان از اطلاعات خارج از گزارش‌های حسابرسی شده (مثلاً اطلاعات مربوط به پایداری) که در گزارش‌های سالانه سازمان‌ها وجود دارد، مورد تجدیدنظر قرار داد. بهترین شیوه‌های گزارشگری و اطمینان پایداری در حال تکامل است؛ زیرا سازمان‌های کسب‌وکار بیشتر به طور داوطلبانه پنج بعد مختلف از عملکرد پایداری خود را افشاء می‌کنند. شرکت‌هایی که بهترین شیوه‌های پایداری را به عنوان موضوع اصلی مدل کسب‌وکار خود گسترش می‌دهند، فرهنگ سازمانی و استراتژی‌های مدیریتی را با کنترل هزینه‌ها، مدیریت مخاطرات، جذب بهترین استعدادها، تقویت علامت‌های تجاری، حفظ شهرت بالا، رضایت مشتری، بهبود کیفیت و کمیّت محصولات و خدمات و ایجاد ارزش ذینفعان به وجود می‌آورند. مدیریت می‌تواند گزارش‌های پایداری را به عنوان وسیله ارتباطی برای ایجاد اعتماد سرمایه‌گذار و اعتماد عمومی، جذب و نگهداری کارکنان با استعداد، افزایش رضایت مشتری و شهرت، کسب حمایت از سهام‌داران، جوامع، و کسب مجوز برای فعالیت در سطح جهانی استفاده کند. مدیریت همچنین باید اطمینان خارجی و بررسی مستقل را به عنوان یک جزء مهم گزارش‌دهی پایداری برای اعتبار دادن به اطلاعات پایداری افشاء شده استفاده کند.

۴. پیامدهای سیاسی و مدیریتی

مدیریت باید تمرکز خود را فراتر از به حداکثر رساندن سود کوتاه‌مدت سهام‌داران، تأثیر عملیات و کل زنجیره ارزش خود را بر تمام سهام‌داران از جمله جامعه و محیط زیست گسترش دهد. افشای ابعاد عملکرد پایداری، با وجود تعهدات مدیریت علامت‌دهی برای پایداری و ایجاد مشروعیت با تمام حوزه‌های گزینشی، یک تحلیل منفعت- هزینه را با پیامدهای سرمایه‌گذاران و سازمان‌های

1. O'Dwyer & Owen
2. Simnett
3. Eccles

تجاری ارائه می‌دهد. حرکت به سوی ادغام اطلاعات عملکرد پایداری اولین گام در ترکیب اطلاعات عملکرد پایداری در گزارشگری شرکت است. نوع و محتوای افشای پایداری در شرکت‌ها و در سراسر کشورها متفاوت است؛ زیرا حمایت سرمایه‌گذاران توسط شرکت‌ها و سیستم‌های حقوقی کشور متفاوت است. بنابراین، سیاست‌گذاران (از جمله تدوین‌کنندگان استانداردها) باید تصمیم بگیرند برای ارتقاء گزارش عملکرد و ارزیابی پایداری از طریق الزامات، ابتکارات داوطلبانه شرکت‌ها توسط سرمایه‌گذاران و یا ترکیبی از ابتکارات الزامی و داوطلبانه که توسط GRI، IIRC و SASB گسترش داده شده است، استفاده نمایند. اطلاعات غیرمالی پایداری ممکن است توسط سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان به عنوان اطلاعات محرمانه، کیفی و پیش‌بینی شده در مقایسه با اطلاعات مالی که بیشتر واقعی، کمی است، مورد ارزیابی قرار گیرند.

در ارزش‌آفرینی ذینفعان، مدیریت باید موضوعات بالقوه اجتماعی، محیط زیستی، اداری و اخلاقی را در سرتاسر جهان شناسایی و آنها را در برنامه‌ریزی استراتژیک و فرآیندهای مدیریتی خود ادغام نماید. دلایل و توجیه‌های زیادی وجود دارد که چرا مدیریت باید عملکرد پایداری را در فرآیندهای خود و گزارش‌دهی، از جمله توسعه ارزش‌های اخلاقی و استانداردهای اجتماعی، و تغییر افکار عمومی در مورد نقش کسب و کار، و محیط زیست، به طور یکپارچه مورد استفاده قرار دهد. شرکت‌هایی که راهبران بین‌المللی در زمینه پایداری هستند (یا تمایل آن را دارند)، ممکن است با افزایش انتظارات عمومی، افزایش نوآوری، بهبود مستمر کیفیت، اقدامات حاکمیت موثر، استانداردهای بالای اخلاق و یکپارچگی، و مشکلات اجتماعی و زیست محیطی روبرو شوند. بنابراین، مدیریت باید برنامه‌های پایداری مناسب را که چارچوب کلی برای ادغام تمامی پنج بعد پایداری را به فرآیندهای مدیریتی و گزارش‌دهی آنها ارائه می‌دهد، فراهم کند. چندین سوال مربوط به تحقیقات مربوطه عبارتند از: (۱) آیا مدیریت بیشتر احتمال دارد که در هزینه‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری کند، زمانی که آنها عملکرد مالی آینده را بهبود می‌بخشند؟ (۲) آیا مدیریت با توجه به تمرکز پایدار، به احتمال زیاد به طرح‌های زیست محیطی توجه می‌کند؟ (۳) اصلی‌ترین متغیرهایی که برای پیشبرد اهداف درازمدت اقتصادی پایدار و عملکرد پایدار محیط زیست، اجتماعی و حاکمیتی غیرمالی وجود دارد، چه مواردی می‌باشند؟ (۴) آیا مدیریت با تمرکز پایدار بیشتر احتمال دارد که به عملکرد بلندمدت اقتصاد پایدار توجه بیشتری نسبت به عملکرد مالی کوتاه‌مدت داشته باشد؟

۴. نتیجه‌گیری

پایداری کسب و کار نیازمند تمرکز جهت رسیدن به هر پنج بعد از عملکرد پایداری، با در نظر گرفتن ابتکارات برای پیشبرد برخی از ویژگی‌های اجتماعی فراتر از منافع خود و انطباق با قوانین،

مقررات و اصلاحات اداری شرکت‌های بزرگ و افزایش ثروت سهام‌داران می‌باشد. پایداری کسب‌وکار به معنای افزایش اثرات مثبت شرکت‌ها و به حداقل رساندن اثرات منفی آن بر جامعه و محیط زیست بوده و در عین حال ایجاد ارزش برای همه ذینفعان است. میزان واقعی موفقیت برای شرکت‌ها باید نه تنها با درآمد گزارش شده خود، بلکه همچنین از طریق حاکمیت آن‌ها، مسئولیت اجتماعی، رفتار اخلاقی و عملکرد محیطی تعیین شود. پایداری کسب‌وکار توجه زیادی را از سیاست‌گذاران، مجریان و جامعه تجاری و سرمایه‌گذاری در دهه گذشته به دست آورده است و انتظار می‌رود که به عنوان یک موضوع اصلی در دهه‌های آینده باقی بماند. بنابراین، جامعه دانشگاهی نیز باید با ادغام آموزش پایداری کسب‌وکار به برنامه درسی و برنامه‌ریزی حسابداری و انجام تحقیقات مربوط به پایداری در تمامی زمینه‌های نظریه‌های پایداری، ابعاد عملکرد، مخاطرات، گزارشگری و اطمینان بپردازد. نظریه‌های پایداری، استانداردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، فعالیت‌ها، مدیریت ریسک، گزارشگری، اطمینان و بهترین شیوه‌های ارائه شده در این پژوهش باید سازمان‌های تجاری در سراسر جهان را در ادغام پنج بعد عملکرد پایداری در فرآیندهای مدیریتی خود و نیز پژوهشگران را برای انجام تحقیقات مرتبط با پایداری یاری رساند.

در نتیجه، ابعاد عملکرد پایداری و ریسک مربوطه، چارچوب نظری پایداری، و استانداردهای پایداری عملیاتی، عملکرد و گزارش‌دهی ارائه شده در این پژوهش می‌تواند برای شرکت‌های جهانی و مدیریت آنها، سیاست‌گذاران و تنظیم‌کنندگان، سرمایه‌گذاران، مربیان و پژوهشگران مفید باشد. همه نظریه‌ها (از جمله کارگزار/سهام‌دار، ذینفع، علامت‌دهی، نهادی، مشروعیت و نظارت) روی اقدامات کلیدی عملکرد پایداری مانند بهره‌وری عملیاتی، رضایت مشتری، مدیریت استعداد و نوآوری تمرکز می‌کنند و باید از عوامل داخلی استراتژی، مشخصات ریسک، نقاط قوت و ضعف، و فرهنگ سازمانی و نیز عوامل خارجی از جمله شهرت، فناوری، جهانی شدن و بهره‌برداری از منابع طبیعی نیز استفاده نمایند. این نظریه‌ها و استانداردها به توضیح راهبردها و شیوه‌های مدیریت در ایجاد کارایی پایداری مالی برای ایجاد ارزش سهام و دستیابی به عملکرد پایداری اقتصادی غیرانتفاعی در حفاظت از منافع همه سهام‌داران کمک می‌کند. این پژوهش تئوری‌ها، استانداردها، ارزیابی ریسک، گزارش‌دهی و بهترین شیوه‌های پایداری کسب‌وکار را شامل اقدامات حاکمیت شرکتی و اصلاحات برای کاهش تقارن اطلاعات بین مدیریت و تمام سهام‌داران و ایجاد ارزش ذینفعان مورد بررسی قرار داد. هدف ایجاد ارزش ذینفعان در پایداری کسب‌وکار ایجاد فرصت‌های تحقیقاتی برای بررسی عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت و ذینفعان و حتی بین سهام‌داران می‌باشد.

منابع

- چناری، حسن؛ بنی‌مهد، بهمن (۱۳۹۸). پایداری شرکتی: راهبردی تئوریک و یکپارچه با رویکردی دستوری و عملگرا. *حسابداری مدیریت*، ۱۲(۴۲)، ص ۱۲۵-۱۰۳.
- علیخانی، راضیه؛ مران جوری، مهدی (۱۳۹۳). کاربرد تئوری‌های افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۳(۹)، ص ۵۳-۳۶.
- Al-Tuwaijri, S.A., Christensen, T.E. & Hughes, K. (2004). The relations among environmental disclosure, environmental performance, and economic performance: a simultaneous equations approach. *Accounting, Organizations and Society*, 29(5-6), p. 447-471.
- Azizul Islam, M. & Deegan, C. (2008). Motivations for an organisation within a developing country to report social responsibility information: Evidence from Bangladesh. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(6), p. 850-874.
- Brockett, A. & Rezaee, Z. (2012). *Corporate sustainability: integrating performance and reporting*. NJ, USA: John Wiley and Sons/Hoboken.
- CFA Institute. (2015). *Environmental, social and governance (ESG) survey*.
- Cheng, B., Ioannou, I. & Serafeim, G. (2013). Corporate social responsibility and access to finance. *Strategic Management Journal*, No. 35, p. 1-23.
- Clarkson, P.M., Li, Y., Richardson, G.D. & Vasari, F.P. (2011). Does it really pay to be green? Determinants and consequences of proactive environmental strategies. *Journal of Accounting and Public Policy*, No. 30, p. 122-144.
- Dainelli, F.B. (2013). Signaling strategies in annual reports: evidence from the disclosure of performance indicators. *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, No. 29, p. 267-277.
- Deegan, C., Cooper, B. & Shelly, M. (2006). An investigation of TBL report assurance statements: Australian evidence. *Australian Accounting Review*, 16(39), p. 2-18.
- Dhaliwal, D., Li, O., Tsang, A. & Yang, Y. (2011). Voluntary nonfinancial disclosure and cost of equity capital: the initiation of corporate social responsibility reporting. *The Accounting Review*, No. 86, p. 59-100.
- Eccles, R.G., Ioannou, I. & Serafeim, G. (2014). The impact of corporate sustainability on organizational processes and performance. *Management Science Journal*, 60(11), p. 2835-2857.
- Edelman, L. (1992). Legal ambiguity and symbolic structures: organizational mediation of civil rights law. *American Journal of Sociology*, No. 97, p.1531-1576.
- Elijido-Ten, E., Kloot, L. & Clarkson, P. (2010). Extending the application of stakeholder influence strategies to environmental disclosures: An exploratory study from a developing country. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 23(8), p. 1032-1059.
- Fama, E.F. & Jensen, M.C. (1983). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, 26(2), p. 301-325.
- Fligstein, N. (1985). The spread of the multidivisional form among large firms 1919-1979. *American Sociological Review*, No. 50, p. 377-391.

- Freeman, R.E. (1984). *Strategic management: a stakeholder perspective*. New Jersey: Prentice-Hall.
- Global Reporting Initiative (GRI) (2013). *G4 Sustainability Reporting Guidelines*. Available at: <https://www.globalreporting.org/resourcelibrary/GRIG4-Part1-Reporting-Principles-and-Standard-Disclosures.pdf>
- Grinblatt, M. & Hwang, C. (1989). Signaling and the pricing of new issues. *Journal of Finance*, 44(2), p. 393–420.
- Guthrie, J. & Parker, L.D. (1989). Corporate social reporting: a rebuttal of legitimacy theory. *Accounting and Business Research*, 19(76), p. 343–352.
- Healy, P.M. & Palepu, K.G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, No. 31, p. 405–440.
- Hernandez, M. (2008). Promoting stewardship behavior in organizations: a leadership model. *Journal of Business Ethics*, No. 80, p.121–128.
- Hernandez, M. (2012). Toward an understanding of the psychology of stewardship. *Academy of Management Review*, 37(2), p. 172–193.
- Huang, C.L. & Kung, F.H. (2010). Drivers of environmental disclosure and stakeholder expectation: Evidence from Taiwan. *Journal of business ethics*, No. 96, p. 435–451.
- Huang, X.B. & Watson, L. (2015). Corporate social responsibility research in accounting. *Journal of Accounting Literature*, No. 34, p. 1–16.
- International Integrated Reporting Council (IIRC) (2013). *The International (IR) framework*.
- Jennings, D. & Zandbergen, P.A. (1995). Ecologically sustainable organizations: an institutional approach. *The Academy of Management Review*, 20(4), p. 1015–1052.
- Kaler, J. (2003). Differentiating stakeholder theories. *Journal of Business Ethics*, No. 46, p.71–83.
- Kiron, D., Kruschwitz, N., Haanaes, K., Reeves, M., Fuisz-Kehrbach, S. & Kell, G. (2015). *Joining Forces: Collaboration and Leadership for Sustainability*. MIT Sloan Management Review, the Boston Consulting Group, and the United Nations Global Compact (UNGC). Available at: <http://marketing.mitsmr.com/PDF/56380-MITSMR-BGC-UNGC-Sustainability2015.pdf?cid=1>.
- Mackey, A., Mackey, T. & Barney, J. (2007). Corporate social responsibility and firm performance: investor preferences and corporate strategies. *Academy of Management Review*, No. 32, p. 817–835.
- Meyer, J. & Rowan, B. (1977). Institutionalized organizations: formal structure as myth and ceremony. *American Journal of Sociology*, No. 83, p. 340–363.
- O'Dwyer, B. & Owen, D.L. (2005). Assurance statement practice in environmental, social and sustainability reporting: a critical evaluation. *The British Accounting Review*, 37(2), p. 205–229.
- O'Dwyer, B. & Owen, D.L. (2007). Seeking stakeholder-centric sustainability assurance: an examination of recent sustainability assurance practice. *The Journal of Corporate Citizenship*, No. 25, p. 77–94.
- Porter, M.E. & Kramer, M.R. (2011). Creating shared value. *Harvard Business Review (January–February)*, p. 62–77.
- Rezaee, Z. (2015). *Business sustainability: performance, compliance, accountability and integrated reporting*. Greenleaf Publishing Limited October.
- Richardson, A. & Welker, M. (2001). Social disclosure, financial disclosure and the cost of equity

- capital. *Accounting, Organizations and Society*, No. 26, p. 597–616.
- Roberts, J. (2004). *The modern firm*. Oxford: Oxford University Press.
- Rogers, J. (2015). Why investors should look beyond a company's financials. *Fortunes*. Available at: <http://fortune.com/2015/08/11/why-investors-should-look-beyond-a-companys-financials>
- Sarbanes-Oxley Act (SOX) of 2002*.
- Simnett, R., Vanstraelen, A. & Chua, W.F. (2009). Assurance on general purpose non-financial reports: an international comparison. *The Accounting Review*, 84(3), p. 937–967.
- Strang, D. (1990). From dependency to sovereignty: an event history analysis of decolonization 1870–1987. *American Sociological Review*, No. 55, p. 846–860.
- Suchman, M.C. (1995). Managing legitimacy: strategic and institutional approaches. *Academy of Management Journal*, 20(3), p. 571–610.
- Sustainability Accounting Standards Board (SASB) (2013). *Conceptual Framework of Sustainability Accounting Standard Board*.
- Tilling, M.V. (2004). Refinements to legitimacy theory in social and environmental accounting. *Commerce Research Paper Series*.
- Tolbert, P.S. & Zucker, L.G. (1983). Institutional sources of change in the formal structure of organizations: the diffusion of civil service reform, 1880–1935. *Administrative Science Quarterly*, No. 28, p. 22–39.

